

تنها ابزاری برای جذب مردم است.

اما موضع مشرف در قبال طالبان به سرعت تغییر کرد. آنچه باعث افزایش تن میان روابط دو کشور شد، درخواست وزیران کشور و امور خارجه پاکستان برای درخواست رسمی از امارت اسلامی افغانستان برای تحویل افراد فراری به افغانستان بود. وقتی که وزیر کشور به کابل و قندهار سفر کرد تا با فرمانده مومنان مجاهدین در مورد پناه دادن به کسانی که بنا بر ادعاهای آنها جنایتکار بودند صحبت کند، دست خالی بازگشت. چون مشکل پاکستان داخلی بود و ربطی به افغانستان نداشت، به این دلیل کسانی که احتمال می دادند در افغانستان هستند، آزادانه در پاکستان رفت و آمد می کردند. حتی برخی از آنها حامل اسلحه با مجوز خود وزیر بودند. اما افغانستان به طور مستقیم این مسئله را به پاکستان گزارش نکرد.

آن چیزی که مسائل را پیچیده تر کرد، تلاش مشرف برای تخریب مجسمه های بودا در بامیان و دفاع حیدر بود که آنها را به حفظ اهرام مصر استناد کرده بود و سعی داشت تا مجسمه ها را با اهرام مقایسه کند. مشرف هیئتی را به قندهار فرستاد اما دیگر دیر شده بود.

در دوران تصدی سفارتخانه به عنوان سفیر، چهار بار با مشرف ملاقات کردم. اولین بار در مراسم تحویل استوار نامه و دومین بار زمانی بود که پیام امیر مومنین را ابلاغ کردم. برای سومین بار، ما در کراچی با یکدیگر ملاقات کردیم. برای چهارمین بار، ما در کراچی با یکدیگر ملاقات کردیم. بعدها معلوم خواهد شد که دشمنی او با امارت افغانستان چقدر برای هر دو کشور نتایج و پیامدهای منفی داشت. نفرت مشرف در کتابش با عنوان «پاکستان بالاتر از همه» ظاهر شد و اکنون با برادران مسلمان خود در افغانستان تجارت می کند. بعد از حادثه یازده سپتامبر هم مردم را به پول فروخت. پس از خیانت به اسلام، مردم خواستار سرنگونی او شدند و پس از آنکه کتاب او انتقادات زیادی را برانگیخت، این امر به عنوان یک دلیل قابل لمس از کاری که انجام داد باقی ماند.

## بالا گرفتن شدت تنش

پاکستان پیش از حادثه یازدهم سپتامبر مانند یک خمپاره توخالی بود که در آنجا، یک دولت درون یک دولت به وجود آمد و به قدرت واقعی کشور تبدیل شد. تلاش مشرف مدیریت و رهبری کشور بود اما او با مشکلاتی مرتبط با قدرت داخلی روبه رو شد و به دستگاه اطلاعاتی پاکستان اجازه داد تا هر زمان که ضروری بداند بر دولت منتخب تسلط یابد.

این نوعی مدیریت اطلاعاتی نظامی است که توسط فرماندهان ارتش پاکستان اداره می شود و شامل افراد غیر نظامی و نظامی می شود و اقدام به عملیات دستگیری و گاهی آزادی می نماید. گاهی هم ترورهایی در مناطق دور از مرزهایش مانند افغانستان، هند و ایران انجام می دهد. افزون بر این شبکه ای از جاسوسان را در تمام کشورها مدیریت می کند و ساکنان محلی را برای انجام مأموریت های مخفی استخدام می کند و نیروهایش را در زمینه های مختلف مانند تکنیک های جاسوسی و مواد منفجره آموزش می دهد.

برای کنترل اینکه چه کسی از مرز عبور می کند من با سازمان اطلاعات پاکستان به توافق رسیدم که هر افغانستانی باید ابتدا به سفارت مراجعه کند که این فرصت را به ما می داد تا اسناد او را کپی کرده و به قندهار بفرستیم